

۲۰۲۸۹۴۷
۹۱,۸۴

فلسفه و تئوری سازمان

ویرایش

هاریمیدوس سوکاس

رابرت چیا

ترجمه

دکتر ناصر عسگری

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری

دکتر مجتبی امیری

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۹۶۱

شماره انتشار ۴۰۶۴

انتشارات دانشگاه تهران

عنوان و نام پدیدآور	فلسفه و تئوری سازمان/ ویرایش هاریدیموس سوکاس، رابرت چیا؛ ترجمه ناصر عسگری، مجتبی امیری.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۴۵۰ص: مصور، جدول، نمودار.
فروست	انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۰۶۴.
شابک	978-964-03-7305-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: philosophy And Organization Theory.
موضوع	جامعه‌شناسی سازمانی
رغوع	سازمان - - تحقیق
موضوع	سازمان
سازمان	سوکاس، هاریدیموس، ویراستار
شناسه افزوده	Tsoukas, Haridimos
شناسه افزوده	چیا، رابرت سی.اچ.، ۱۹۴۹-م.، ویراستار
شناسه افزوده	Chia, Robert C.H.
شناسه افزوده	عسگری، ناصر، ۱۳۶۰- مترجم
شناسه افزوده	امیری، مجتبی، ۱۳۳۹- مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	HM۷۸۶/ف۸۱۱۱۱
رده‌بندی دیوئی	۲/۳۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۵۱۱۸

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازه‌بسی در، بلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و نامی خنثی برای ناشر محفوظ است.



عنوان: فلسفه و تئوری سازمان
تألیف: هاریدیموس سوکاس - رابرت چیا
ترجمه: دکتر ناصر عسگری - دکتر مجتبی امیری
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۸
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجمان است»

بها: ۵۵۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۲۸۷۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجمان ز

فصل اول: چرا فلسفه در تئوری سازمان اهمیت دارد؟ ۱

در مورد این مجلد ۱۸

منابع ۲۱

فصل دوم: فلسفه تحلیلی و تئوری سازمان: مسائل فلسفی و راهکارهای علمی ۲۵

مقدمه ۲۶

فلسفه تحلیلی در مطالعات سازمان ۲۷

تجربه‌گرایی منطقی و مسئله فراروی بنیادگرایی تئوری سازمان ۳۷

پارادایم‌ها و هم‌زادهای فرانویگرایانه آنها در تئوری سازمان ۴۲

پاسخ‌های فلسفی و راهکارهای علمی: طبیعت‌گرایی، تئوری سازمان ۴۹

نتیجه‌گیری ۵۴

فصل سوم: عمل‌گرایی: فلسفه‌ای زیسته و زنده. رهاورد آن برای تئوری سازمان معاصر

چیست؟ ۶۳

مقدمه ۶۴

بافتار دربرگیرنده عمل‌گرایان کلاسیک ۶۷

چهار مقوله کلیدی در عمل‌گرایی ۷۲

تجربه ۷۳

واکاوی ۷۵

عادت ۷۷

تعامل ۷۸

عملگرایی در یادگیری سازمانی ۸۰

عملگرایی، اقدام و معنابخشی ۸۶

۹۰	نتیجه‌گیری
۹۳	منابع

فصل چهارم: مک‌اینتایر، ارسطوگرایی نوین و تئوری سازمان

۹۸	مقدمه
۹۸	گفتار یکم: اقدامات؛ هرمنوتیکی و مک‌اینتایری
۹۸	مک‌اینتایر در متن
۱۰۰	خودپنداره‌های عصر، خودپنداره‌های نظریه سازمان
۱۰۶	دلالت‌هایی برای روش‌های پژوهشی
۱۰۹	گفتار دوم: نظریه سازمان از نوع مک‌اینتایری
۱۰۹	خیر، فضیلت‌ها، اقدامات و نهادها
۱۱۳	سازمان‌با‌فیلیت
۱۱۶	نظریه مک‌اینتایری و نهادها، و دلایل اقدام
	گفتار سوم: تحلیل سازمانی مک‌اینتایر: یک بازسازی از ویک و سوتکلیف درباره درمانگاه سلطنتی
۱۲۲	بريستول
۱۲۷	گفتار چهارم: نتیجه‌گیری - دستورالعمل برای تئوری سازمان مک‌اینتایری
۱۳۰	منابع

فصل پنجم: فلسفه مارکسیست و مطالعات سازمانی: ماعدت فلسفه مارکسیست به فهم

۱۳۷	برخی از اشکال سازمانی مهم
۱۳۸	مقدمه
۱۳۸	مارکسیسم: ایده‌های کلیدی
۱۳۹	ماده‌گرایی دیالکتیک
۱۴۲	ماتریالیسم (ماده‌گرایی) تاریخی
۱۴۴	نقد اقتصاد سیاسی
۱۵۰	دامنه تئوری مارکسیستی
۱۵۳	دیدگاه‌های مارکسیستی درباره برخی اشکال سازمانی
۱۵۳	ضرورت تاریخی
۱۵۴	بوروکراسی

۱۵۶	تیلوریزم و مدیریت علمی
۱۵۷	تولید ناب
۱۵۷	مدیریت دانش
۱۵۸	حرفه‌ها و شرکت‌های حرفه‌ای
۱۵۹	کار مشروط
۱۶۰	سازمان شبکه‌ای
۱۶۱	خانواده و خانوارها
۱۶۱	دیگر موارد
۱۶۱	منتقدان مارکسیسم
۱۶۴	نتیجه‌گیری
۱۶۶	منابع

فصل ششم: فراتر از جهان‌شمولی و نسبیت‌گرایی: مساعدت هابرماس به اخلاق گفتمانی و

۱۷۳	دلالت‌های آن برای اخلاق میان‌فرهنگی و تئوری سازمان
۱۷۴	مقدمه
۱۷۵	وحدت خرد و نقد آن در فلسفه فرانوگرا
۱۷۹	اخلاق گفتمانی و شیوه‌های توجیه (میان‌فرهنگی) آن
۱۸۰	اپل: نوع عملگرایی تعالی‌گرایانه از اخلاق گفتمانی
۱۸۱	هابرماس: شاخه کاربردشناسی جهان‌شمول از اخلاق گفتمانی
۱۸۴	انتقادات از برداشت‌های جهان‌شمول از اخلاق گفتمانی
۱۸۷	فرهنگ‌گرایی به عنوان حالتی جایگزین از توجیه
۱۸۸	نتیجه‌گیری: امکان‌پذیری اخلاق میان‌فرهنگی

فصل هفتم: فلسفه هرمنوتیک و تئوری سازمان

۲۰۱	مقدمه
۲۰۲	هرمنوتیک: تاریخچه‌ای مختصر
۲۰۲	ریشه یونانی هرمنوتیک
۲۰۳	هرمنوتیک مذهبی و فردریش شلایرماخر
۲۰۵	ویلهم دیلتای و فهمیدن

۲۰۶.....	مارتین هایدگر و فهمِ بودن.....
۲۰۹.....	هانس گادامر و تلفیق افق‌های فکری.....
۲۱۱.....	پل ریکور: استعاره، روایت و فردیت.....
۲۱۴.....	مفروضات متاتئوریک راهنمای مطالعات سازمان.....
۲۱۸.....	هرمنوتیک و پژوهش سازمانی.....
۲۱۸.....	هرمنوتیک و مطالعات فرهنگ سازمانی.....
۲۲۱.....	هرمنوتیک و معناپژشی.....
۲۲۲.....	هویت سازمانی.....
۲۲۳.....	هرمنوتیک و مبرکدهای روایتی به تئوری سازمان.....
۲۲۵.....	هرمنوتیک و یادگیری موقعیت‌محور.....
۲۲۸.....	گفتگو.....
۲۳۰.....	نتیجه‌گیری.....
۲۳۲.....	منابع.....
۲۳۷.....	فصل هشتم: پدیدارشناسی تئوری سازمان.....
۲۳۸.....	۱. مقدمه.....
۲۳۹.....	۲. پدیدارشناسی.....
۲۳۹.....	۲.۱. در آغاز چیزها وجود داشتند.....
۲۴۳.....	۲.۲. مارتین هایدگر: بودن-در-جهان، ابزار، فناوری و زمان.....
۲۴۸.....	۳. ردیابی ریشه‌های پدیدارشناختی تئوری سازمان.....
۲۴۹.....	۳.۱. توسعه دیدگاه تفسیری سازه‌انگاره اجتماعی در درون علم اجتماعی.....
۲۵۳.....	۳.۲. معرفی کنندگان اصلی پدیدارشناسی به مطالعات سازمان.....
۲۵۶.....	۳.۳. پدیدارشناسی چگونه در مطالعات سازمان مورد استفاده قرار گرفته است؟.....
۲۶۱.....	۴. بحث: برخی فهم‌های نادرست از پدیدارشناسی در مطالعات سازمان و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی.....

فصل نهم: سازماندهی کردن سازماندهی از منظر دریدا: ساختارشکنی و تئوری

۲۷۵.....	سازمان.....
۲۷۸.....	ساختارشکنی: سازماندهی کردن دریدا.....

۲۷۸	ساختارشکنی: علیه متافیزیک حضور
۲۸۰	ساختارشکنی و تفاوت: دربارهٔ بافتارها
۲۸۱	ساختارشکنی و سرگشتگی: گشایش‌ناپذیری استدلال
۲۸۳	ساختارشکنی و تئوری سازمان
۲۸۳	کاربردهای کنونی ساختارشکنی در تئوری سازمان
۲۸۳	۱. ساختارشکنی متون کلاسیک
۲۸۴	۲. ساختارشکنی تقابل‌ها: زیربنای تئوری سازمان
	۳. ساختار، بطن، به عنوان راهی برای مطالعهٔ زبان سازمان‌ها و زبان مورد استفاده در سازمان‌ها
۲۸۵	
۲۸۶	۴. ساختارشکنی، متا-نهی چارچوب ارجاع معرفت‌شناختی یا هستی‌شناختی
۲۸۶	آپوریاها [سرگشتگی‌ها] ساختارشکنی و امکان ناممکن
۲۸۸	سه آپوریا [سرگشتگی]: سازماندهی از منظر دریدا
۲۸۸	۱. محیط/سازمان: آپوریای [سرگشتگی] سازگاری
۲۹۱	۲. تصمیم/عمل: آپوریای [سرگشتگی] تصمیم‌ناپذیری
۲۹۶	۳. قاعده/کاربرد: آپوریای [سرگشتگی] پیروی از قاعده
۲۹۹	نتایج اندیشهٔ ساختارشکنانه
۳۰۰	تئوری‌پردازی دربارهٔ سازمان‌ها و اهمیت «و»
۳۰۱	ساختارشکنی و عرصه‌های ناممکن عدالت
۳۰۳	دورنماها
۳۰۵	منابع
۳۱۱	فصل دهم: فکر کردن، تبدیل شدن و پدیدار شدن: فلسفهٔ پویشی و مطالعات سازمان
۳۱۲	مقدمه
۳۱۵	هستی‌شناسی ماده و تئوری سازمان
۳۱۹	فلسفهٔ پویشی و هستی‌شناسی شدن
۳۲۲	۱. تبدیل شدن به واقعیت
۳۲۳	۲. تفاوت فراتر از هویت
۳۲۵	۳. تفکر در زمان
۳۲۷	دالات‌ها: فهم پویشی 'از معنابخشی جمعی، ساخت هویت سازمانی و کارآفرینی

۳۲۸	عمل جمعی: ما در جمع آنها ساکن هستیم
۳۳۱	هویت سازمانی به عنوان برون‌سیاری تعمیم یافته
۳۳۴	کارآفرین مردد
۳۳۶	نتیجه‌گیری
۳۳۹	منابع

فصل یازدهم: تئوری به مثابه درمان: یادآورهای ویتگنشتاینی برای تئوری‌پردازی تأملی در

۳۴۳	تئوری سازمان و مدیریت
۳۴۶	به پیش‌زمینه آوردن اقدامات «پس‌زمینه‌ای»
۳۵۱	فلسفه «گن‌هاین: جهان «پیش‌بود»
۳۵۵	ویتگنشتاین و کلمات
۳۶۱	تئوری سازمان: علی-تبعی: به سوی تئوری‌پردازی تأملی
۳۶۳	شرحی از تئوری‌پردازی تأملی: نظریهٔ معنا بخشی و یک
۳۶۷	جمع‌بندی اندیشه‌ها: از ناشه با تصویرگری
۳۷۵	منابع

فصل دوازدهم: فلسفه‌های سه‌سویه‌سازی: برای فهم مسائل پیچیدهٔ سازمان و

۳۷۹	مدیریت
۳۸۰	مقدمه
۳۸۱	فلسفه‌های علم
۳۸۲	پوزیتیویسم
۳۸۳	پست‌مدرنیسم
۳۸۴	رنالیسم انتقادی
۳۸۵	سه‌سویه‌سازی
۳۹۰	کیس گروه‌های حرفه‌ای
۳۹۱	پوزیتیویسم
۳۹۲	پست‌مدرنیسم
۳۹۳	رنالیسم انتقادی
۳۹۳	سه‌سویه‌سازی فلسفه‌های علم

انواع مسائلی که به سه‌سویه‌سازی نیاز دارند	۳۹۵
نتیجه‌گیری	۳۹۶
منابع	۳۹۸

فصل سیزدهم: ریچارد رورتنی، زنان و عملگرایی نوین	۴۰۱
نخستین ملاقات من با عملگرایی نوین	۴۰۲
حقیقت چیست؟	۴۰۶
مانیفست عمل رایانه	۴۱۰
به هم پیوستگ سر مرکز چیزها	۴۱۲
قوم پرستی؟	۴۱۴
روش متداول	۴۱۶
آیا هر کسی رورتنی را دوست دارد؟	۴۱۸
عملگرایی و فمینیسم	۴۱۸

پیشگفتار مترجمان

فلسفه چیست؟ به چه کار می‌آید؟ و نسبت و جایگاه آن در میان علوم چگونه و کجاست؟ این پرسش‌های بنیادین از دیرباز ذهن حقیقت‌جوی انسان اندیشمند را به خود درگیر ساخته‌اند. پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش‌ها ارائه شده است، از وجودشناسی (تمیز دادن «بودها» از «نبودها» و «نمودها») گرفته تا بازتاب دادن واقعیت‌های دنیای بیرونی در قالب پنداره‌های ذهنی در ذهن پویشگر انسان. به هر حال، کار فلسفه این است که گره از کار شناخت واقعیات بگشاید و جهانی عقلانی برای انسان فراهم سازد. هر تعریفی کلی می‌توان گفت فلسفه به معنای مطالعه مسائلی کلی و اساسی، درباره موضوعاتی همچون هستی، واقعیت، آگاهی، ارزش، خرد، ذهن و زبان است. تفاوت فلسفه با دیگر راه‌های پرداختن به چنین مسائلی، رویکرد نقادانه و اغلب سازمان‌یافته فلسفه و تکیه آن بر استدلال‌های عقلانی و منطقی است. برای این معنا، موضوع فلسفه وجودشناسی و پیامدهای ذاتی آن است؛ پیامدهایی که به گونه‌ای پی‌در پی به مسائل فلسفی بعدی تبدیل می‌شوند. پاسخ به این پرسش‌ها مکاتب گوناگون فلسفی را پدید آورده است.

فلسفه ایرانی را می‌توان تا زمان ایران باستان، و به سده‌های فلسفی آن دوران پی گرفت. فلسفه اسلامی علمی که مسائل کلی هستی، معرفت، نفس، خدا و دین را با روش عقلی و برهانی بررسی می‌کند. برخی خاستگاه‌های فلاسفه شرقی از فلسفه غرب متأثر پذیرفته‌اند. با این حال، فلاسفه مشرق زمین در آن روزگار تقلیدکننده نبودند و آنچه را از غرب گرفته‌اند از نگاه ویژه خود به آن پرداختند، بسیار بر آن افزودند، آن را توسعه دادند و دیگر علوم شرقی و اسلامی را از آن متأثر ساختند. فلاسفه مسلمانی مانند فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن رشد و ابن مسکویه در این زمره قرار می‌گیرند.

در فلسفه غرب، فیلسوفان پیشاسقراطی همچون فیثاغورث و هراکلیتوس که به سبکی طبیعت‌گرا بودند می‌کوشیدند از راه مشاهده، تفکر و واقع‌بینی جهان را به روشی عقلانی توصیف کنند و برای ادعاهای خود دلیل ارائه کنند. مهم‌ترین موضوع مورد نظر آنها «تغییر» بود؛ یعنی در پی پاسخ به این پرسش اساسی بودند که آیا این جهان از یک چیز به وجود آمده یا چند چیز. پس از سقراط نیز فیلسوفانی مانند افلاطون و ارسطو به جدل و استدلال نظری روی آوردند و در نتیجه منطبق در این دوران پایه‌گذاری شد. فلاسفه این دوره به این پرسش اساسی پرداختند که «خوشبختی چیست؟» و چه کسی می‌تواند خوشبختی را محقق سازد. این جریان و سیر «حسن‌گرایی» و «عقل‌گرایی» با همه فراز و نشیب‌های خود تا دوران مدرن ادامه یافت.

در دوران مدرن (سده شانزدهم) دو فیلسوف نامدار به سردمداران فلسفه غرب تبدیل شدند: رنه دکارت و فرانسویس بیکن. آنها هر دو شمشیر تیز نقد را از رو بسته بودند و بر همه مفروضات پیشینیان خود یورش بردند؛ بیش از همه نیز پیش‌فرض‌های افلاطون و ارسطو و به‌ویژه ارسطو را از دم تیغ تیز نقد خود گذراندند. آنها با نقد فلسفه قدیم در پی معرفت‌یقینی بودند و در شمار بنیان‌گذاران مکتب اصالت عقل به حساب می‌آیند که می‌گوید «به آنچه که حواس انسان ارائه می‌دهند نمی‌توان اطمینان کامل داشت، بلکه، تنها از راه عقل است که شناخت حقیقی و یقین‌آور حاصل می‌شود». آنها نوعی دوئیست (یا دوگانه‌انگاری بین ذهن و عین) را پیش روی اندیشمندان پس از خود قرار دادند که در آن زمان مسئله‌ای بسیار پیچیده به شمار می‌رفت. بر این اساس، دکارت عقل‌گرا و بیکن حس‌گرا گرایش به طبیعت‌گرایی و عینیت‌گرایی و پوزیتیویسم را در فلسفه غرب بنیان نهادند. سرانجام در کشاکش بین این ذهن‌گرایان و عینیت‌گرایی محض، به گفته خود کانت اندیشه‌های هیوم -درخصوص این که با حس نمی‌توانیم به علم برسیم- او از خواب جزمی بیدار کرد (به نقد قوه عقل و ارزیابی معرفت‌انسانی پرداخت) و برای رفع دوگانگی پدید آمده بین عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی یک‌جانبه، دیالکتیکی بین این دو برقرار ساخت. بر اساس این دیالکتیک برای درک جهان قابل شناخت از راه تجربه باید از حس‌یاری شده با عقل بهره جست. بر این ترتیب فلسفه کلاسیک به پایان راه خود رسید و سرانجام پس از هگل در کسوتی دیگر نمایان شد.

در این دوران نوین تلاش نئوکانت‌ها رجب شد: علوم انسانی و اجتماعی از علوم طبیعی جدا شوند؛ تلاش هگلی‌ها نیز به تاریخ‌نگری (تئری بران توجیه تاریخ و سیر حرکت آن در قالب ایده) و رویکردهایی انجامید که سیر اندیشه‌ها در تاریخ معاصر را به کلی دگرگون ساخت. افزون بر این، در این دوران «فلسفه علم» شکل گرفت و از آن پس فلاسفه به معنای فلسوف علم در کسوت ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، شیمی‌دان و ... روی کار آمدند. از این پس فلسفه دیگر معنای گذشته خود را نداشت؛ برای نمونه جان لازری در مقدمه کتابش (لازی، ترجمه پایا، ۱۳۷۷) به معنای گوناگون (چهار تعریف) از «فلسفه علم» می‌پردازد و تفاوت دیدگاه‌های گوناگون موجود در این زمینه را مرور می‌کند. آلن راین نیز «فلسفه علم» را به عنوان «معرفت یا پژوهشی از نوع دوم» تعریف می‌کند یعنی که پویر از فلسفه علم ارائه می‌کند نیز این گونه است: تحلیل فلسفی مسائل، تئوری‌ها و روش‌های علمی که ما را در فهم تاریخ تفکر علمی یاری می‌دهد. فلسفه علم در این معنا به خاستگاه تئوری‌پردازی و بنیان‌فکری اندیشمندان و تئوری‌پردازان در رشته‌های علمی گوناگون از جمله علم سازمان و مدیریت تبدیل شده است. بر این اساس، «تئوری سازمان» نیز شاخه‌ای برآمده از فلسفه علم معاصر است که به شناخت پدیده «سازمان» از جنبه‌ها و نگاه‌های گوناگون می‌پردازد.

در این کتاب مروری اندیشمندانه و تأمل‌برانگیز بر برخی آثار مربوط به فلسفه علم سازمان و مدیریت انجام شده است. بدین منظور، پیش‌فرض‌ها، اصول، مفاهیم، مدل‌ها و تئوری‌های زیربنایی رویکردهای گوناگون فلسفه علم معاصر که بر نوع نگاه تئوری‌پردازان سازمان اثر گذاشته‌اند مرور شده است. چنین نگاهی به نوبه خود گرایش تئوری‌پردازان سازمان به مسائل بنیادین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی را تعیین می‌کنند. چنین رویکردی عرصه‌ای است که به ویژه در کشور ما نوپا و کمتر شناخته است؛ با این حال برای شناخت جنبه‌های گوناگون پدیده پیچیده سازمان ضروری است.

به گفته گرت مرخان سازمان پدیده‌ای چندوجهی است و نمی‌توان تنها از یک نگاه به شناخت آن و تجزیه و تحلیل تئوری‌های ارائه شده در مورد آن پرداخت، بلکه باید از زوایا و سطوح تحلیل گوناگون به شناخت آن پرداخت. در این صورت گستره نگاه ما از لایه ظاهری فراتر می‌رود و می‌توانیم به نگاهی ژرف‌اندیشانه‌تر دست یابیم. این نگاه است که جامعه‌مدیریتی ما (خواه دانشگاهیان و خواه اجراییان) بسیار به آن نیازمندند.

به باور مترجمان ناکارآمدی و ناسازمندی تئوری‌ها و مدل‌های که به وسیله دانشگاهیان ارائه می‌شوند و به وسیله مجریان به کار گرفته می‌شوند بیش از هر چیز ناشی از نگاه سطحی و نازرف‌اندیشانه به آن‌ها است. این سطحی‌نگری از نادیده نگاشتن فرایرزش‌هایی ناشی می‌شود که هرگز به ذهن ظاهر بینان و ساده‌انگاران راه نمی‌یابند. به همین دلیل بسیاری از پاسخ‌های تئوریک که بدین صورت برای مسائل اجرایی ارائه می‌شوند از اثربخشی لازم برخوردار نیستند. به سخن حکیمانه مولانا:

علم دریایی است بی‌حد و کنار / طایب عالم است، غواص بحار

از این رو، کسانی که برای شناخت واقعیات سازمان نتوانند به غواصی در دریای علم و ژرف‌اندیشی و ژرف‌نگری در آن روی بیاورند و به همان لایه سطحی قانع شوند اغلب به جای «علم» به «شبه‌علم» دست می‌یابند که به نتیجه‌ای جز راهکارهای سطحی با ناکامی نخواهد انجامید. دلیل این ناکامی هم ناتوانی اندیشه از درک لایه‌هایی ژرف‌تر است که به گفته میرفندرسکی «صورتی در نظر دارد آنچه در بالاستی». حضرت مولانا هم در کتاب مثنوی خود به زیبایی این گونه سطحی‌نگری را شرح داده است:

مرغ بر بالا و زیر آن سایه‌اش	می‌دود بر خاک پیرآن مرغ‌وش
ابله‌ی صیاد آن سایه شود	می‌دود چندانک بی‌مایه شود
بی‌خبر کان عکس آن مرغ هوا است	بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست
تیر اندازد به سوی سایه او	ترکشش خالی شود از جستجو
ترکش عمرش تهی شد عمر رفت	از دویدن در شکار سایه تفت

بر این اساس، کتاب حاضر می‌تواند به تقویت و توسعه بیش از پیش اندیشمندان و دانش‌پژوهان عرصه دانشگاهی، و مدیران و کارگزاران عرصه اجرایی یاری رساند. نگاه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و رفتارشناختی به تئوری سازمان و تأثیرات آنها بر رویکردهای گوناگون تئوری‌های سازمان شالوده و محور مشترک مجموعه مقالات ارائه شده در این مجموعه است که گردآورندگان در فصل نخست به شرح مختصر آنها پرداخته‌اند. همچنین در این فصل چارچوب و کلیتی از محتوای کتاب در این قالب ارائه شده است. افزون بر این، در پایان فصل اول که نوشته خود گردآورندگان این اثر است شرح مختصری از جایگاه علمی و آثار آن نیز ارائه شده است.

مترجمان امید دارند این اثر بتواند به توسعه بیش از پیش آثار ژرفاندیشانه در عرصه سازمان و مدیریت کشمان یاری رساند و با کمک به ارائه تئوری‌هایی برخوردار از پشتوانه تئوریک و منطقی برای تبیین و تفسیر پدیده‌های اجتماعی موجب کاهش نسبی مشکلات و چالش‌های موجود در عرصه علوم انسانی و اجتماع کشور شود. بدین منظور نیاز است نخست به درک درستی از تئوری‌ها دست یابیم، آنها را به درستی نقد کنیم و سپس به استفاده اثربخش و کارای آنها برای حل مسائل موجود بپردازیم. بدین ترتیب هم تئوری‌نظری ما برای تحلیل و حل مشکلات اجرایی تقویت می‌شود و هم تواناییمان در تئوری‌پردازی به گونه‌ای رشد می‌کند که بتوانیم تئوری‌هایی ارائه کنیم که به پرسش‌های زمانه خود در جامعه علمی و عرصه‌های اجرایی به خوبی پاسخ دهند. این همان تئوری‌ای است که می‌توان درباره آن با کثرت لوین هم‌دستانه «هرچیز علمی‌تر از یک تئوری خوب نیست».

بی‌گمان عصر حاضر عصر سازمان‌هایی است که بر همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان سایه انداخته و حاکم شده‌اند. شاید به این دلیل باشد که پیترو دراکر می‌گوید «جوانان امروز باید آن‌گونه که اجدادشان کشاورزی را می‌آموختند، سازه‌ها را بیاموزند». از این رو شناخت درست و ژرف-نگرانه سازمان برای نسل امروز به ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی و زیرمجموعه علم الاجتماع ضرورتی گریزناپذیر است. این کتاب برای همه عرصه‌های علمی، نخبگی، اجرایی کشور و به ویژه برای استادان و دانشجویان دکترای رشته‌های مدیریت، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و اقتصاد سودمند و راهگشا خواهد بود.

سرانجام، مترجمان این اثر باور دارند که ترجمه فهم فهم نویسنده است و از این رو از تألیف و تصنیف نیز دشوارتر است. بر این اساس و با توجه به ماهیت فعالیت‌های علمی احتمال خطاها و لغزش‌های گریزناپذیر در ترجمه این اثر را اعلام می‌دارند و نقدها و نظرات اصلاحی و تکمیلی شما خواننده فرهیخته این اثر را به دیده منت پذیرا و سپاسگزار هستند.

ناصر عسگری Nasgari@ut.ac.ir

مجتبی امیری Mamiry@ut.ac.ir